

جوانمردی در داد و ستد

ارزان فروختن یا فروش نسیه و مهلت دادن به خریدار، نوعی جوانمردی است. جوانمردی در رسیدگی به مردم و مدارا با آنها در داد و ستد ...



ارزان فروختن یا فروش نسیه و مهلت دادن به خریدار، نوعی جوانمردی است. جوانمردی در رسیدگی به مردم و مدارا با آنها در داد و ستد در زمان سختی معیشت، لزوم بیشتری پیدا می کند. زمان قحطی یا زمان شیوع گرانی و نظایر آن که مردم در مضیقه هستند، همه باید در رفع حوائج هموعان کوشا باشند.

جوانمردی در داد و ستد «حق الناس» مهم ترین و پربسامدترین موضوع در دین اسلام است تا جایی که طولانی ترین آیه قرآن (سوره بقره آیه ۲۸۲) نیز به همین موضوع اختصاص دارد و امیرالمؤمنین امام علی (ع) نیز می فرمایند: «خدای متعال رعایت حقوق بندگانش را مقدمه ای بر رعایت حقوق خودش قرار داده است.»

اوج جلوه گاه توجه به حق الناس در مکتب اسلام و اهل بیت (ع) را می توان در شب عاشورا مشاهده کرد؛ هنگامی که امام حسین (ع) شرط پیکار با ظلم و همراهی با خود را بدهکار نبودن گذاشت و بیعت خود را از افرادی که حقی بر گردن دارند، برداشت، چراکه پرداخت حق مردم را مقدم بر حضور در جهاد با طاغوت می دانستند.

همین رویداد مهم و درس آموز از واقعه کربلا سبب شد تا ایکن با آغاز ماه محرم امسال به موضوع مهم «حق الناس» بپردازد و بخش هایی از کتاب «حق الناس، ارتباط متقابل حقوق مردم و اخلاق اسلامی» نوشته آیت الله مظاهری را به نظر مخاطبان خود برساند که در ادامه، مشروح بخش چهل و نهم با عنوان «گران فروشی» را می خوانید.

گران فروشی عمل زشتی است که متأسفانه در بیشتر جوامع، مشهور و فراگیر شده است. رواج گران فروشی و در پی آن چند نرخی شدن اجناس در بازار از جمله مفساد و معضلات اقتصادی است که امنیت اقتصادی را مختل می کند. در تعالیم اسلامی تأکید و سفارش فراوانی بر پرهیز از گران فروشی، خودداری از سخت گیری در خرید و فروش و آسان گرفتن و تخفیف دادن به خریدار شده است.

طبق حدیثی از پیامبر اکرم (ص) خداوند متعال، بنده ای که در داد و ستد آسان بگیرد را دوست دارد. ایشان می فرمایند: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَحِبُّ الْعَبْدَ يَكُونُ سَهْلَ الْبَيْعِ سَهْلَ الشِّرَاءِ سَهْلَ الْقَضَاءِ سَهْلَ الْاِقْتِصَاءِ». ایشان طبق حدیثی به نقل از امام صادق (ع)، به بنده ای که آسان می خرد و آسان می فروشد، دعا کرده و فرموده اند: «خداوند به او برکت بدهد.» روزی، امیرالمؤمنین (ع) زنی را در حال خریدن گوشت از قصاب دیدند. آن زن از قصاب می خواست که گوشت را قدری اضافه تر بکشد. امام (ع) به قصاب فرمودند: «برایش بیفزا، زیرا این کار به کار تو برکت می بخشد.»

اساساً دستور و توصیه اکید دین اسلام برای تعیین قیمت اجناس و کالاها رعایت انصاف است. امام صادق (ع) در معرفی شخص با انصاف فرموده اند: کسی است که هر چه برای خود می پسندد، برای دیگران نیز پسندد و هر چه برای خود دوست ندارد، برای دیگران نیز نخواهد. امیرالمؤمنین (ع) در عهدنامه ای که برای مالک اشتر نوشتند، راجع به نحوه خرید و فروش و تعیین میزان قیمت اجناس می فرمایند: «وَ لِيَكُنَّ الْبَيْعُ بَيْعًا سَمِحًا يَمْوَأَزِينُ عَدْلًا وَأَسْعَارًا لَا تُجْحِفُ يَالْقَرِيقِينَ مِنَ الْبَائِعِ وَالْمُبْتَاعِ»، خرید و فروش در بین مردم باید با گذشت و آسان گیری و همراه با موازین عادلانه صورت بگیرد. نرخ کالاها نیز باید به نحوی تعیین گردد که نه برای خریدار و نه برای فروشنده اجحاف نباشد، علاوه بر انصاف بسیار به جاست که در معاملات، رعایت فتوت و جوانمردی نیز بشود. جوانمرد کسی است که وضعیت خریدار را در نظر بگیرد، رعایت حال او را بکند و به وی رحم نماید.

به تعبیر امیرالمؤمنین (ع)، بخشندگی و جوانمردی در داد و ستد، قسمتی از سود است: «السَّمَاخُ وَحِجَّةٌ مِنَ الرَّبَّاحِ». ارزان فروختن یا فروش نسیه و مهلت دادن به خریدار، نوعی جوانمردی است. جوانمردی در رسیدگی به مردم و مدارا با آنها در داد و ستد در زمان سختی معیشت، لزوم بیشتری پیدا می کند. زمان قحطی یا زمان شیوع گرانی و نظایر آن که مردم در مضیقه هستند، همه باید در رفع حوائج هموعان کوشا باشند. در این میان وظیفه فروشنندگان کالاها اساسی سنگین تر است و باید اجناس خود را با قیمت منصفانه در اختیار استفاده عمومی قرار دهند.

نقل می کنند در قحطی اواخر دوره قاجار، وضعیت مردم ایران به قدری از نظر گرانی و کمبود مایحتاج عمومی سخت شده، که بسیاری گرسنه بوده و فوج فوج از مردم مرده اند. در آن زمان شخصی گندم داشته است. نانواها جمع شده و به او التماس کرده

اند که گندم هایت را به ما بفروش تا نان بپزیم و به مردم بدهیم. او می پرسد: گندم ها را چند می خرید؟ آنها نرخ روز را پیشنهاد داده بودند. مثلاً گفته بودند به ازای یک من یک قرآن می دهیم. او در پاسخ می گوید: برو بالا؛ و هر قیمتی پیشنهاد داده بودند، باز هم گفته بود: برو بالاتر؛ و حاضر نشده بود گندم ها را به قیمت منصفانه در اختیار مردم بگذارد. بالاخره گرانی و قحطی تمام می شود و نقل می کنند، آن شخص در آن قحطی در اثر گران فروشی ثروت عجیبی به هم می زند.

طولی نمی کشد که او به درد شدید پا مبتلا می شود، بهترین پزشکان را برای معالجه اش جمع می کنند. آنان از درمان پای او عاجز می مانند و همه به این نتیجه می رسند که باید پای او را قطع کنند. در این حال آن شخص وحشت زده می شود و دست خود را روی قوزک پا گذاشته، می پرسد: از اینجا می برید؟ دکتر ها می گویند برو بالاتر و همین طور ادامه می دهند تا معلوم می شود تمام پای او باید قطع گردد.

پول های حاصل از گران فروشی و اجحاف در حق مردم را خرج درمان خود می کند، پایش را هم می برند، بعد هم می میرد. افراد گران فروش و کم فروش و فریبکار ممکن است ثروتمند شوند، اما مال آنها برکت ندارد و نه تنها برای خودشان، بلکه برای اولادشان هم هیچ نتیجه ای نخواهد داشت.

پرهیز اهل بیت(ع) از مال حاصل از گران فروشی

ائمه طاهرین(ع) همواره از گران فروشی و اجحاف، دوری و بیزاری جسته اند. امام صادق(ع) مقداری پول به عنوان مضاربه، نزد شخصی به نام «مصادف» سپردند. اتفاقاً مصادف در معامله خود گران فروشی کرد و اجناس را در شهری که به آن احتیاج داشتند دو برابر قیمت فروخت. وقتی پول ها را خدمت امام(ع) آورد، فرمودند: سود دو برابر را چگونه به دست آوردی؟ او ماجرا را شرح داد.

ایشان اصل سرمایه را برداشتند و سود حاصل از تجارت را در مقابلش ریختند و فرمودند: ما نیاز به این سود ها نداریم. سپس فرمودند: ای مصادف، کسب مال حلال از شمشیر زدن در میدان نبرد سخت تر است. در روایت دیگری سعد بن عبدالله قمی، یکی از شیعیان زمان امام حسن عسکری(ع) می گوید: با احمد بن اسحاق که از وکلای امام یازدهم(ع) بود، بر ایشان وارد شدیم و مشاهده کردیم که فرزندشان حضرت مهدی(عج) هم حضور دارند. احمد بن اسحاق وجوه شرعی که شیعیان فرستاده بودند را در مقابل امام عسکری(ع) گذاشت.

امام یازدهم به فرزند گرامی خویش فرمودند: عزیزم، این وجوه را بردار. حضرت مهدی(عج) گفتند: آیا شایسته است که دست پاک من به بعضی از این پول های حرام و ناپاک برخورد کند؟ امام(ع) فرمودند: حلال و حرام را از هم جدا کن. آن حضرت صاحبان آن پول ها را نام بردند، مقدار پول موجود در هر کیسه را ذکر کردند وجوه حلال را از وجوه حرام جدا ساخته و کیسه هایی که پول آن، حاصل از گران فروشی، اجحاف، کم فروشی و نظایر آن بود، برگردانده و فرمودند: ما احتیاج به این قبیل پول ها نداریم.